

یک میلیارد دلار وام برای عراق بجای مطالبه غرامت جنگ!

دلار در اختیار دولت عراق قرار می دهد، یک میلیارد دلار اعتباری که محل مصرف و چگونگی بازپرداخت آن روشن نیست. در شرایطی که در کشور ما تورم و گرانی و بیکاری و فقر و فحشا و اعتیاد نیاز فراوان جامعه ایران را به سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال بشدت ضروری نشان می دهد، آیا اینگونه از کیسه ملت ایران بخشش کردن در جهت حفظ منافع ملی است؟ آیا کشور همسایه ای که به بهانه عدم قبول قرارداد ۱۹۷۵ جنگ ۸ ساله را آغاز و آنگونه سرزمین های ما را به خاک و خون کشید و همین یکماه قبل نیز رئیس جمهور فعلی آن کشور مجدداً قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را زیر سؤال برد استحقاق دریافت چنین اعتبار کلانی را از طرف ما دارد؟ پس تکلیف غرامت جنگ و بدهی های عراق به ما چه می شود؟ آیا ما باید به عراق وام و اعتبار بدهیم یا عراق باید غرامت جنگ را به ما بپردازد؟ این ملت تا چه حد و تا کجا باید شاهد به تاراج رفتن اموال و به هدر دادن منافع ملی خود باشد؟

بود که در این مورد نیز سازمان ملل متحد عراق را بعنوان طرف شروع کننده جنگ معرفی کرد. خسارات وارده به شهرها و کارخانه ها و تأسیسات مختلف ایران توسط رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی یکهزار میلیارد دلار اعلام شد. صرف نظر از این خسارات مالی ناشی از تخریب، خسارات صدها هزار خانواده ایرانی که جوانان خود را در آن جنگ خانمانسوز از دست داده اند و صدمات وارد شده بر صدها هزار مجروح جنگی باید توسط آغازگر جنگ جبران شود ولی بسیار شگفت انگیز است که چگونه حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ اقدام موثری برای گرفتن این خسارات تاکنون که ۱۹ سال از زمان قبول قطعنامه می گذرد انجام نداده است. در حالیکه وصول کردن غرامت جنگ همچنان مسکوت و معوق مانده است در جریان سفر رئیس جمهور حاکمیت جمهوری اسلامی به عراق اعلام شده که جمهوری اسلامی اعتباری معادل یک میلیارد

صرف نظر از لفاظی ها و رجز خوانی های بی مورد و سایر رویدادهای قبل از شروع جنگ عراق با ایران، بهر حال این رژیم عراق بود که در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۵۹ حمله گسترده نظامی خود را از هوا و زمین و دریا علیه ایران آغاز کرد و صرف نظر از اینکه قدرتمداران نظام جمهوری اسلامی شرایط طلبی و فرصت های گرانبهایی را برای خاتمه دادن به جنگ از دست دادند ولی سرانجام پس از ۸ سال جنگ در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ در بدترین وضعیت ممکن و پس از بیرون رانده شدن نیروهای ایران از جزیره فاو و سرنگون شدن هواپیمای مسافری ایران توسط نیروهای آمریکا در خلیج فارس و بمباران شدن سکوهای نفتی ایران و اشغال مجدد دو هزار کیلومتر از خاک ما توسط عراق بطور ناگهانی قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را پذیرفتند. یک بند مهم این قطعنامه پرداخت خسارات و غرامت جنگ توسط کشور آغاز کننده جنگ

خورشیدی که هر روز فروزان تر می درخشد

هوشیاری دخالت های سیاست های استعماری را در امور داخلی این کشور زیر نظر داشت و تحرکات عوامل مزدور آنها را بخوبی می شناخت و می کوشید اقدامات این عوامل خائن را خنثی نماید و نقاب از چهره آنها برگیرد. او در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ وقتی بعنوان نخست وزیر از مجلس شورای ملی رأی اعتماد گرفت، در اولین نامه خود به شهر بانی کل کشور دستور داد که در روزنامه ها آنچه راجع

سیاست و راستگویی به مردم در همه حال محور اصلی شخصیت سیاسی او را تشکیل می داد. او هیچگاه به مردم دروغ نگفت و خدعه و نیرنگ در فعالیت سیاسی را مردود و غیر انسانی میدانست. او در دوران مبارزات آزادیخواهانه و حق طلبانه خود بارها زندگی خود و خانواده اش را در معرض تهدید و نابودی قرار داد و از ایثار جان خود برای سعادت و خوشبختی هموطنان خود ابائی نداشت. او در دوران مبارزات ملی و استقلال طلبانه خود با زیرکی و

او از نوجوانی تا هنگام مرگ با استبداد و ظلم مبارزه کرد و در راه تحقق آزادی و حاکمیت ملی و استقلال میهن خود کوشید. شخصیت سیاسی و اجتماعی او در دوران انقلاب مشروطیت شکل گرفت و تا مدت شصت سال پیام انقلاب مشروطیت یعنی آزادی و استقلال و عدالت را برای نسل های بعدی بازگفت و زنده نگهداشت. او به شأن و شخصیت و شایستگی ملت ایران و به رأی و نظر مردم برای تعیین سرنوشت خود اعتقاد راسخ داشت. تقوی در

ادامه در صفحه ۴

انتخابات!

نی نی به تقلب انتصاباتی شد
شرم آور و زشت ارتکاباتی شد

ادیب برومند

دعوی چه کنی که انتخاباتی شد
بر ضد قواعد و قوانین و اصول

اثرات فوری تحریم‌های اقتصادی بر گرانی‌ها و کمبودها

روابط اقتصادی بین المللی در شرایط عادی موجب بهبود زندگی اقتصادی مردم و کشورهاست و دولت‌ها مسئول توسعه این روابط مخصوصاً صادرات خود می‌باشند که ایجاد اشتغال و درآمد و توسعه صنعتی می‌نماید. دولت‌ها با ایجاد موسسات بیمه، اعتبارات صادراتی و بانک‌های بازرگانی فعال در تجارت خارجی و حتی دادن اعتبارات صادراتی برای خریدهای خارجی در کشور به توسعه روابط اقتصادی بین المللی خود که تأمین کننده مایحتاج آنها نیز می‌باشد کمک می‌کنند.

متأسفانه سیاست‌های خصمانه دولت نهم در رابطه با دنیا مخصوصاً در افتادن با ایالات متحده که ۹۲ درصد تجارت جهانی بر پایه اصول بنیان گذاری شده توسط آن انجام می‌شود و تقریباً ۶۰ درصد پرداخت‌های بین المللی هنوز به دلار ایالات متحده است و با تسلط آن بر شبکه‌های بانکداری بین المللی و موسسات بیمه و نیاز همه دنیا به بازارهای بیش از دو تریلیون دلار ایالات متحده با درآمد ملی حدود ۱۱ تریلیون دلار (۵۰ برابر ایران با جمعیتی کمتر از ۵ برابر) قدرت مانور و اعمال فشار ایالات متحده را در کلیه زمینه‌ها بر مراتب بیشتر از قدرت اقتصادی آن ساخته است (تحریم‌های ثانویه یا مجازات شرکت‌هایی که با ایران داد و ستد دارند) صدور قطعنامه‌های بی دریغ توسط شورای امنیت علیه روابط اقتصادی با ایران و دقت ایالات متحده در اعمال این تحریم‌ها غیر از تحریم‌های وسیع‌تر که خود ایالات متحده علیه ایران بکار می‌برد تاکنون بطور محسوس این اثرات مخرب را داشته است:

۱- نفروختن کالا‌های سرمایه‌ای حساس با تکنولوژی بالا به ایران یا جلوگیری از انتقال تکنولوژی که نتیجه آن تاکنون سقوط واردات ماشین آلات و قطعات و سقوط سرمایه‌گذاری‌های صنعتی است که بصورت رشد منفی (۶/۳-) تشکیل سرمایه در ماشین آلات در سه ماهه دوم سال ۱۳۸۶ منعکس گردیده است در حالیکه همین رقم در نیمه اول سال ۱۳۸۵ تا رشد ۷/۸ درصد مثبت بود. کاهش تشکیل سرمایه یعنی کاهش اشتغال صنعتی، رکود صنعتی - یعنی افزایش بیکاری نسل جوان تحصیل کرده با همه عواقب منفی آن.

۲- عدم همکاری بانک‌ها و شرکت‌های بیمه برای

صادرات به ایران از ترس مجازات ایالات متحده حتی در مورد کالا‌های معمولی و بالا بردن نرخ‌ها.

۳- نقدی شدن خریدهای ایران و عدم امکان استفاده از اعتبارات صادراتی با بهره‌های پایین در حد یک پنجم نرخ‌های رایج در ایران که به بالا رفتن هزینه تولید می‌انجامد.

۴- اجبار به خرید دست دوم و سوم در بازارهای ترکیه، دوبی، مالزی با قیمت‌های بالا؛ جنس‌های نامرغوب و بدون تضمین کیفیت و خدمات بعد از فروش.

۵- عدم اطمینان به آینده اقتصاد ایران؛ شامل عدم اطمینان به خرید و فروش و انعقاد قرارداد و موکول کردن همه چیز به بعد.

نتیجه کلی تک‌روی و نداشتن تفاهم با دنیا، گران تمام شدن تولید، محدود ماندن مقیاس تولید و عدم پیشرفت فنی و تکنولوژیکی است که همراه با درصد صفر بودن رشد بهره‌وری عامل کار و سرمایه در ایران واحدهای تولیدی کشور را روز به روز به رکورد و ورشکستگی بیشتر کشانده است. کمبود اعتبارات صنعتی همراه با نرخ‌های بهره بالای ۲۰ درصدی این ورشکستگی را تشدید کرده است و نتیجه امر بلای تورم دورقمی بالای بیست درصد است که دامنگیر مصرف کننده لا علاج شده است.

•••••

هشتم مارس روز زن را

گرامی می‌داریم

امسال زنان میهن مادر شرایطی به هشتم مارس ۲۰۰۸ رسیدند که قدرتمداران در ایران با اقداماتی زن ستیزانه، ابتدایی‌ترین حقوق زنان را نادیده گرفته‌اند. چند سالی است که گروهها و انجمن‌هایی در ایران بدون وابستگی به گروه‌های سیاسی بر ظلمی که به زنان ایران اعمال می‌شود بانگ اعتراض برداشته‌اند. سال ۱۳۸۶ در ایران رکورد زنان بازداشتی بخاطر دفاع از حقوق مدنی زنان شکسته شد. گروهی از زنان برای رساندن فریاد خود به گوش جهانیان کمپینگ یک میلیون امضایی تشکیل دادند تا با جمع‌آوری

یک میلیون امضاء خواست‌های زنان ایران را به گوش مردم جهان برسانند و این اقدام ضرب و شتم و بازداشت و احکام شلاق تعدادی از زنان که فقط به جمع‌آوری امضاء پرداخته بودند را به دنبال داشت. در راستای محدود کردن بیش از پیش زنان اعمال تبعیض جنسیتی در دانشگاهها نمونه بارز آن است؛ با تعیین ظرفیت در رشته‌های علمی صلاحیت علمی نادیده گرفته می‌شود و زنان ایران به مقابله با این تصمیم وزارت علوم و فناوری پرداختند و در روز هفتم مارس (۱۷ اسفند ۸۶) حدود سیصد نفر از دختران پذیرفته شده در کارشناسی به عنوان اعتراض در دانشگاه امیرکبیر گرد آمدند و تبعیض جنسیتی را نادیده گرفتن اعلامیه جهانی حقوق بشر دانستند و خواستار رفع این نابرابری در ادامه تحصیل زنان شدند. روز هشتم مارس روز جهانی زن از طرف خانم شیرین عبادی و ۵ بانوی برنده جایزه نوبل و بیش از ۲۰۰ تن از زنان دانشمند و مشهور ایران و جهان طی اطلاعیه‌ای به تبعیض‌هایی که در ایران بر زنان وارد می‌شود اعتراض کرده و سرکوب آزادیخواهان ایران را بشدت محکوم نمودند. فعالیت‌های زنان در ایران در سال ۱۳۸۶ توجه جهانیان را جلب کرد بنحوی که در خبرها آمده بود جایزه جهانی اولاف پالمه به یکی از زنانیکه در ایران در راه آزادی و تأمین حقوق زنان فعال است خانم پروین اردلان تعلق گرفت (ایشان از فعالین حقوق زنان است و به هیچ گروه سیاسی وابسته نیست) ولی وقتی که ایشان برای دریافت جایزه عازم سوئد بود در فرودگاه به ایشان اطلاع دادند که ممنوع الخروج هستند. در حالیکه گرامیداشت روز جهانی زن در بسیاری از نقاط جهان همراه با جشن و شادی بود و لیکن در ایران به مناسبت شهادت امام هشتم شیعیان جهان روز ۸ مارس مراسم سوگواری برقرار بود و اگر با چنین روزی نیز برخورد نداشت اقدامات علیه اجتماع زنان در سالهای گذشته به یادمان می‌آورد که اجازه برگزاری مراسمی را نمی‌دادند.

شنیده شد که زنان ایرانی به مناسبت‌های گوناگون در روزهای قبل و بعد از هشتم مارس به بهانه‌هایی چون بزرگداشت بزرگ بانوی شعر و غزل ایران خانم سیمین بهبهانی روز زن را گرامی داشتند و فعالان آزادی و برابری زنان در میهمانی‌های محدود و خصوصی از این روز یاد کردند. امسال سکوت در بیرون خانه‌ها بیانگر حقیقتی اندوهبار بود که زن ایرانی را ستمی مضاعف می‌آزارد.

ما هشتم مارس روز جهانی زن را ارج می‌نهم. به امید آنکه پیوند و هبستگی زنان ایرانی راهگشای زندگی بهتر و نوید دهنده فردایی روشن باشد.

مومیائی شده ها!

یکی از شبکه‌های رادیو جمهوری اسلامی در صبحگاه ۱۳/۱۲/۱۳۸۶ در تعریف خصوصیات ملت ایران و برای آماده کردن اذهان مردم جهت پذیرش تقلبات در شرف وقوع امر انتخابات مدح شبیه به ذم کرده و می‌گفت: «حرکات و عکس‌العمل‌های این ملت غیرقابل پیش بینی است و همیشه کارهایی می‌کنند که ناظران غافلگیر و غرق در حیرت می‌شوند. ملت ایران در انتخابات مجلس شورای هشتم نیز چنین خواهد کرد و نتایجی از شمارش آراء را شاهد خواهیم بود که در باور کسی نمی‌گنجد.»!

ما نمی‌پرسیم رادیوی نگران از اعلام واقعیت مطلب، این موضوع را چگونه کشف کرده و در واقع ما مردم را متهم به ناآگاهی و تحریک پذیری مینماید اما ضمن تأیید غیرقابل پیش بینی بودن نتایج کارهایی که هیأت حاکمه و دولت جمهوری اسلامی برخلاف اصول و بنام ملت شریف ایران انجام میدهد ذکر چند نکته را ضروری میدانیم:

۱- آیا رادیوی مذکور با خصلت تراشی برای ملت نجیب ایران، نتایج اقدامات شگفت‌انگیز و برنامه‌های بی حساب دولتها را می‌خواهد پهای ملت ایران بنویسد و امر رأی دادن و شمارش آراء اقلیت و اکثریت را اینقدر غامض و پیچیده نشان بدهد؟ چرا امر انتخابات را با حسن نیت و باصطلاح روز با شفافیت انجام نمی‌دهیم تا فهمیدن نتایج واقعی آن نیازمند به رمل و اسطرلاب نباشد؟

۲- در دنیایی که پیشرفت علم و فن و استفاده از تکنیک‌های جدید، اطلاع از حقایق و سنجش و افکار و واقعیت‌ها را بسیار آسان نموده است غیرقابل پیش بینی بودن! مشارکتها و شگفتی‌آفرینی‌ها را باید از خصوصیات ملت کهنسال ایران بدانیم یا از دخالت و شعبده بازیهای کسانی که پس پرده نشسته‌اند و موجبات حیرتها را فراهم می‌آورند؟

۳- آیا ریختن رأی بنام حسن و حسین و خوانده شدن آراء بنامهای دلخواه، در آوردن دو برابر تعداد جمعیت یک شهر رأی از صندوق و تغییر محتویات صندوق در فاصله یک نیم چرت بعد از ناهار... مابه شگفتی و خنده است یا ملت ایران تماماً شگفتی‌آفرین و خرافه پرست شده‌اند؟

همان رادیو در ردیف دستورالعمل‌های محدودکننده آزادی، اعلام می‌کرد که کاندیدهای گذشته از غربال شورای نگهبان حق ندارند در پوست‌های خود که به در و دیوار می‌زنند عکسهای خود را جای دهند زیرا اصلاً نیازی به این کار نیست، یعنی رأی دهنده‌ها فقط وظیفه دارند محل‌های اخذ رأی را شلوغ نمایند. شناختن و نوشتن نام افراد صالح یا اصلح دیگر جزو وظایف آنها نیست!

در اینجا بیاد این مطلب مهم و بدیهی می‌افتیم که صحت معاملات، بستن قرارداد پس از احراز اهلیت طرفین، معلوم بودن شخصیت و خصوصیات آنهاست و معامله مهم و نامشخص صحیح نمی‌باشد و اینک ملاحظه می‌کنیم شناسائی کامل فردی که می‌خواهد نمایندگی یا وکالت جماعتی از شهروندان را برعهده بگیرد، بر رأی دهنده تا آن حد پیش پا افتاده است که گویا باندازه شناسائی طرفین هنگام خرید یک کیلو سیب زمینی هم اهمیت ندارد!

در هیاهوی بحث و جدلهای سیاسی - اجتماعی جهانی و جستجوی راه‌های ارتقاء فرهنگی، جای بسی تأسف است که اولیاء امور مملکتی مانند آن مومیائی - در شعر شهریار - عمل نمایند؛ ... خلاصه آنکه «مومیائی» پس از قرون متمادی که سر تا پای آداب و اصول جهانی تغییر کرده، از گور خود برخاسته و با مختصر پوشش پوسیده - ارثیه ای از زمانهای دور، بسوی یارو دیار سالهای زندگی حرکت می‌کند، او که روزگاری فردی مانند بخت النصر یا فرعون انسان معروفی بوده، بدنبال پیدا کردن اصول و مقررات زمان خود و دنیای گذشته است اما خواسته‌ها و دستورات مومیائی انجام پذیر نیستند، آشنایان همه رفته‌اند و هر کس از کنار او می‌گذرد بیگانه ایست با لباسها و چهره‌های عجیب؛ پس ناچار مومیائی به گور خود باز می‌گردد و از نظرها پنهان می‌شود.

نتیجه آنکه استواری پایه‌های حکومت‌های جبار همیشگی نبوده و تقلب‌های کهنه و نوظهور نیز تضمین‌کننده ابدیت عمر آنها نگشته است و حافظ لسان الغیب میفرماید:

خوش گرفتند حریفان سر زلف ساقی

گر فلکشان بگذارد که قراری گیرند

و اگر گوش به پیام تاریخ بسپاریم باید از پیش آمدها و مصائب دگران بند بگیریم و بیش از اینها ملت ایران و تمام دنیا را شگفت زده نکنیم.

خجسته

نوروز

باستانی

در

هم میهنان

عزیز

گرامی‌باد

خورشیدی که هر روز فروزان تر می درخشد

ادامه از صفحه ۱

به او نگاشته می‌شود هر چه نوشته باشند و هر کس که نوشته باشد نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد. به اداره کل تبلیغات دستور داد هنگامیکه مطلبی درباره او از رادیو پخش می‌شود از بکار بردن لفظ «جناب» و سایر القاب و عناوین اکیدا خودداری نمایند. او در تمام مدت نخست وزیری که حدود ۲۸ ماه طول کشید از دولت حقوق نگرفت و حتی هزینه دفتر نخست وزیری را که در منزلش قرار داشت و مخارج مسافرت هایی که برای دفاع از حقوق ملت ایران به خارج از کشور نمود شخصا پرداخت کرد. او در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ در تهران متولد و در روز ۱۴ اسفند ماه ۱۳۴۵ در همین شهر جان به جان آفرین تسلیم کرد و به دیار باقی شتافت. عملکرد او در مدت هشتاد و پنج سال زندگی پرافتخار و پربارش مکتبی از میهن دوستی و آزادیخواهی و استقلال طلبی و عدالت جوئی به یادگار گذاشت که همواره در سینه تاریخ این مرز و بوم جاودانه خواهد ماند، او مصدق بود؛ دکتر محمد مصدق.

مراسم ۱۴ اسفند در احمد آباد

روز سه شنبه ۱۴ اسفند ۸۶ گروه انبوهی از پیروان دکتر محمد مصدق بنیانگذار جبهه ملی و رهبر فقید نهضت ملی ایران جهت بزرگداشت سالروز درگذشت آن بزرگ مرد در احمد آباد گرد آمدند. اعضای شورای مرکزی و هیئت رهبری و هیئت اجراییه و تعدادی از کادرها و اعضای تشکیلات جبهه ملی ایران ساعت ۱۰/۵ صبح با صفوف منظم به محوطه آرامگاه مصدق وارد شده و مزار آن رهبر همیشه زنده ملت ایران را گلاباران نمودند. در این مراسم آقایان دکتر بهروز برومند، هدی صابر و مهندس علی اکبر معین فرسخنرانی نموده و در ساعت ۱۲ مراسم با خواندن سرود «ای ایران» پایان پذیرفت.

ساز نسیم

ادیب برومند

کرا هست گوش نصیحت نیوش؟
 ز سرمستی ابر سنجاب پوش
 نوای خوش از سر برد عقل و هوش
 به گوش آید آوازه‌ی نوش نوش
 مسیحا نَفَس باد هنگامه گوش
 بدان سان که نقش آفرین بر نقوش
 به ساز دلارا، بیارای گوش
 طرب را زدگان شادی فروش
 به پیاد «جم» و «کورش» و «داریوش»
 کز انبوه مرغان برآمد خروش
 که شعری کند رشته سان در گلوش
 ز احسنت گفتن نماند خموش
 که بر داری از خلق باری زدوش
 همانا بود جنگلی پر و وحوش
 از آن پیش کز کف دهی تاب و توش
 به جز در پی صدق و احسان مکوش
 نوید سعادت فرستد سروش

بهار است و هنگامه‌ی ناز و نوش
 هوا بر خروشد چو غُران پلنگ
 ز رقص درختان به ساز نسیم
 ز میخوارگان زآنسوی باغ و راغ
 دمد در تن مرده شوق حیات
 بهاران دهد جلوه بر زندگی
 به عیش مُهتَمًا^(۱) برافروز چهر
 به هر قیمتی هست باید خرید
 سزد گر به نوروز گیریم جشن
 خموشی چرا بایدم این زمان
 ز شعر نکو سفت باید گهر
 سخن باید آسان که دیوار و در
 به شکرانه‌ی عیش، باری رواست
 دیاری که از راد مردان تهی ست
 بیندوز بس توشه از کار خیر
 به جز در ره عشق و ایمان ممتاز
 تو را گر به یزدان پناهی، «ادیب»

۱- گلارا - نوشین

گرامی باد ۲۹ اسفند

سالروز ملی شدن

نفت



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با پیاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org

E-mail: hejmi85@yahoo.com